صدای مشاور

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ سؤالات خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک:
۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن:
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیام رسان:
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
شهروندان گرامی با هدف پیگیری دقیق و سریع مسائل مطرح شده، لطفا آدرس و اطلاعات کاملی در اختیار ما قرار دهید.

آخر خط

مسیر برعکس

داستانک‌های ستون «آخر خط» موضوعاتی اجتماعی دارند که می‌توانید هر هفته آن‌ها را دنبال کنید. آنچه در ادامه می خوانید برداشتی آزاد از یک حادثه است اما شخصیت‌های آن ساخته و پرداخته نویسنده می‌باشند.


طرح: آتوسا مافی

ایلیا موسایی

هوای یخی دی‌ماه چنان سوزی داشت که حاشیه شیشه‌های ماشین بلور بسته و منجمد شده بود. دختر پشت سمند سفید توی صندلی چرمی سرد فررفته بود و مدام گوشی‌اش را چک می‌کرد. به راننده گفت: «آقا بخاری رو نمی‌زنین؟» راننده گردن کشید و توی آینه نگاه کرد بعد یک دکمه را زد و صدای هوووی بخاری بلند شد. راننده حدودا چهل ساله به نظر می‌رسید. کاپشن یقه‌دار قهوه‌ای رنگی به تن داشت و دستش را که روی فرمان می‌گذاشت سرآستین پلوور بافتنی‌اش دیده می‌شد. هوای گرگ و میش غروب بود و چراغ‌های خیابان مثل هاله‌های ملایم مه‌زده یکی‌یکی روشن می‌شدند.

دختر داشت توی گوشی می‌چرخید که آگهی افزایش شارژ تا سه‌برابر! را دید. صفحه را بست و شماره‌ای گرفت. گفت: «سلام کجایی؟» و انگشتان یخ‌زده باریکش را ها کرد. «دارم می‌رم حساب کنم باهاش» ماشین از جاده اصلی پیچید توی یکی از خیابان‌های محلی خلوت. دختر گفت: «نه بابا قسط آخره دیگه راحت می‌شم» دستش را روی دهنی گوشی گذاشت سرفه کرد و بعد بلند خندید. راننده یک لحظه توی آینه نگاه کرد و بعد به شیشه سمت خودش تکیه داد. دختر آرام گفت: «نه خله. نقد» و دوباره ریز و فندقی خندید. تماس قطع شد. شارژ گوشی تمام شده بود. دختر به مسیر نگاه کرد و گفت: «آقا گفتم میرم گنبد سبز» راننده توی آینه گفت: «بله می‌دونم» دختر اول به راننده زل زد و بعد به خیابان. گفت «مسیرو اشتباه دارین میرین» راننده مستقیم به مسیر روبه‌رو نگاه می‌کرد سری تکان داد و گفت: «طرح ترافیکه خانم. پلاکم فرده». دختر گوشی را روشن کرد خواست شارژ کند. یاد آگهی افزایش سه‌برابر شارژ افتاد. کد شارژ خریداری کرد و بعد توی سایت کد را وارد کرد و منتظر پیامک موجودی شد.

صدای قفل شدن درها دختر را از جا پراند. بعد دختر دید که ماشین توی مسیر کوچه مانندی پیچیده که پر است از درخت و شاخه‌های لخت و خشکیده‌ای که زیر نور سوبالای سمند روشن می‌شدند. دختر سریع شماره‌ای گرفت. صدای تلویزیونی زنی گفت که موجودی شارژ تمام شده. یک کد را شماره‌گیری کرد و موجودی‌اش را که نگاه کرد دید صفر شده. فهمید تمام شارژش را بالا کشیده‌اند. چراغ‌های سمند یک‌باره خاموش شدند و دختر احساس کرد همه دنیا تاریک شده. ماشین آرام توقف کرد و راننده تا رویش را به عقب برگرداند، دختر گوشی را به گوشش چسباند و گفت: «الو از روی جی پی اس پیدام کن» راننده داد زد: «قطع کن!» و دست دراز کرد و گوشی را در یک آن از دست دختر کشید. دید خاموش است. گفت: «عه! زرنگ هم که تشریف داری». توی دست دیگر راننده چیزی بود. گفت: «کیفتو بده» دختر گریه کرد. صدای ناله مانندی از گلویش بیرون می‌آمد و خودش را گوشه تاریک ماشین مچاله کرده بود. توی تاریکی چهره مرد را نمی‌دید. وسط هق‌هق توانست بگوید: «آقا تورو خدا» مرد داد زد: «نذار بلای بدتری سرت بیارم. بده کیفتو» بعد دستش ناگهان حرکتی کرد و دختر حس کرد چیزی توی بازویش خلید و سوزش گزنده‌ای تا عمق استخوانش رسید. تمام تنش سرد شده بود. کیف را به سمت مرد گرفت. مرد یک چراغ قوه کوچک روشن کرد و نورش را توی کیف انداخت. تند تند توی محتویاتش دنبال چیزی گشت. یک لایه نور افتاده بود روی نوک بینی مرد و لب پایینش. کیف دستی پول را بیرون آورد و سه کارت عابربانک پیدا کرد. نور چراغ قوه کوچکش را توی صورت دختر انداخت. دختر چشم‌هایش را تنگ کرد. چیزی نمی‌دید جز نور شدید چراغ و صدای مرد که گفت: «کدومش پول داره؟» دختر مویه کرد: «تورو‌خدا» بعد چیزی محکم توی صورت دختر خورد. گریه کرد. گفت: «هیچ‌کدوم» مرد چراغ قوه را از صورت دختر برداشت. گفت: «پس هر سه تاش داره» بعد اضافه کرد: «می‌ریم پای عابر. رمزشو بهم می‌گی. همین‌جا توی ماشین می‌شینی و جیغ و داد هم نمی‌کنی. بعد می‌رسونمت یه جایی که راحت بری خونه» دختر حس کرد چیزی راه گلویش را می‌بندد. فقط توانست سر تکان دهد. مرد گفت: «اگر دست از پا خطا کنی بلایی به سرت میارم که پشیمون بشی» دختر بیشتر مچاله شد. مرد داد زد: «شیرفهم؟» استارت زد و تا یک عابر دور افتاده راند. تمام دست دختر خونی شده بود و حس کرد توی آن هوای سرد تمام بافت‌های دستش یخ زده. ماشین چسبیده به یک عابربانک توقف کرد. دختر نفهمید کی از ماشین پیاده شده و گیج پای عابر بانک ایستاده. یادش آمد جایی خوانده بود اگر رمز را برعکس بزند دستگاه یک اخطار می‌فرستد و پلیس خبردار می‌شود. کارت سبز را که وارد کرد یادش آمد رمز را ۱۲۲۱ انتخاب کرده. دوست داشت بلند جیغ بزند. مرد پول را برداشت و بعد نوبت به کارت آبی بود. رمز ۱۳۷۰ بود. دختر رمز را زد ۰۷۳۱ دستگاه اخطار داد رمز اشتباه است. هیچ اتفاق دیگری نیفتاد. مرد گفت: «مسخره‌بازی در نمیاری» دست دختر می‌لرزید و خونی شده بود. دوباره زد ۰۷۳۱ دستگاه پیغام داد رمز وارد شده اشتباه است. مرد چاقو را گذاشت روی پهلوی دختر گفت: «این دفعه اشتباه بزنی کلیه‌ات رو سوراخ می‌کنم» دختر رمز را زد و زانوهایش تا خورد و همانجا روی زمین مچاله شد. تا به خودش بیاید راننده و ماشین غیب شده بودند.

تحلیل حادثه

غلبه قتل بر عاطفه برادری

در جست‌وجوی عواملی که یک حادثه برادرکشی را در طبرسی شمالی مشهد رقم زد



راحله حسین زاده| «همه چیز مثل همیشه بود. دوباره دعوا و بحث بین ۲برادر بالا گرفت و صدای جر و بحثشان به گوش می‌رسید» این گفته همسایه های محمد بیست و یک ساله و مهدی بیست‌وشش ساله است که ۲روز پیش ماجرای این جنایت هولناک را با تیتر «برادرکشی در نیمه شب» در شهرآرا خواندید. در گیری‌های محمد و مهدی بعد از طلاق مادرشان که با پدر در خیابان طبرسی شمالی زندگی می کردند دائمی بود اما این بار محمد را در نقش قابیل و مهدی را در نقش هابیل قرار داد تا دوباره داستان برادرکشی تکرار شود.

یک لحظه عصبانیت به بهانه خرج و مخارج خانه، نزاعی خونین بین ۲برادر به وجود آورد تا سهم محمد یک عمر پشیمانی باشد. او در جدال با برادرش نتوانست خشمش را کنترل کند و با ضربات چاقو، مهدی را از پا در آورد. خشمی که حتی بعد از دیدن پیکر غرق در خون برادر نیز فروکش نکرد و آن را در کف اتاق رها کرد.

پدیده اجتماعی قتل‌های خانوادگی

ماجرای این برادرکشی نمودی از افزایش خشونت در سطح جامعه است که حالا در بین خانواده‌ها خودش را عریان‌تر از همیشه به نمایش گذاشته و هرچند وقت یک بار به شکل قتل‌های خانوادگی در گوشه و کنار شهر نمایان می‌شود مطلبی که فرشته‌دانش، مدرس دانشگاه و روان شناس بالینی ضمن تأیید آن با اشاره به ضرورت انتشار آمار قتل‌های خانوادگی گفت که آنچه باعث می‌شود، جرم به یک پدیده اجتماعی تبدیل شود فراوانی جرم نسبت به جمعیت جامعه است و اگر فراوانی و آمار قتل های خانوادگی در دسترس باشد کارشناسان اجتماعی، جرم‌شناسی و روان‌شناسی بهتر می توانند مسئله را ریشه یابی کنند.

این جمله افلاطون که «شکم گرسنه چیزی را بر نمی تابد» مقدمه آن قسمت از صحبت‌های دانش شد که تأثیر مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را به عنوان عوامل مهم شکل دهنده در قتل های خانوادگی بیان کند و به گفته او جرم قتل تابعی از سایر جرائم است و نمی توان گفت که جرم ارثی بوده و ریشه در ژنتیک فرد دارد بلکه عواملی از قبیل بیکاری، ناکامی‌ها، دوری از محبت‌ها و توجه‌ها و مشکلات مالی ریشه در جنایت‌ها دارد. این روان‌شناس معتقد است در پرونده‌های قتل دو نیرو وجود دارد که یکی نیروهای انگیزنده از جمله بیکاری، اعتیاد، طلاق و خانواده بوده و دیگری نیروهای بازدارنده‌ای از قبیل پلیس، قوه قضائیه، زندان، اعدام و آموزش‌های دینی است و زمانی که نیروهای انگیزنده بر نیروهای بازدارنده غلبه کند به جنایت منجر می‌شود.

این روان شناس بالینی یکی از چالش‌های خانواده‌های ایرانی را ضعف در مهارت‌های ارتباطی دانست و تأکید کرد که مهارت های کنترل خشم و حل مسئله را باید به جوانان و نوجوانان آموزش داد تا از وقوع چنین حوادثی پیشگیری شود.

جای خالی مادر

سایه شوم طلاق از کودکی بر زندگی محمد و مهدی افتاده بود. جدایی که دست این ۲برادر را از دامان پرمهر مادر کوتاه کرد تا در خانه‌ای شلوغ و مردانه قد بکشند و بزرگ شوند. موضوعی که دانش آن را از عوامل تأثیرگذار در سرنوشت این ۲برادر دانست و خلأهای عاطفی را دلیل کاستی‌های رفتاری مانند احساس حقارت، کمبود در میان دوستان و آشنایان و ناکامی‌های درونی بیان کرد که در صورت ازدیاد این عوامل در وجودشان دیگر قادر به مدیریت آن نخواهند بود.

برای پی بردن به سایر زوایای این پرونده به سراغ دکتر رمضانعلی قادری، استاد دانشگاه و مددکار اجتماعی رفتیم. او نیز معتقد است خشونت قبل از طلاق در بین زوجین ۷۵درصد در اعمال خشونت‌آمیز فرزندان در آینده اثرگذار می‌باشد.

دکتر قادری دلیل اقدام به جنایت از سوی افرادی که سابقه کیفری نداشته‌اند را شکل گیری خشم اجتماعی در افراد دانست که به مرور زمان جمع می‌شود و بر سر یک اختلاف سرباز می‌کند.

این مددکار اجتماعی در دسترس بودن سلاح سرد را از عوامل مهم شکل گیری بسیاری از قتل‌ها در کشور بیان کرد که در کنار آموزش ندادن مهارت‌های کنترل خشم می‌تواند به بسیاری از جنایت‌ها منتهی شود.

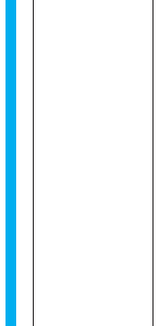
خبر روز

پلمب ۲آزمایشگاه پزشکی

ابوعطا| خطوط درهم شکسته انگلیسی در دفترچه پزشکی و عود کردن بیماری، دیگر مجالی برای بررسی نسخه‌ای که پزشک نوشته است نمی‌گذارد. آزمایشگاه هم بدون پاسخ دادن به سؤالات بیمار، او را به اتاق نمونه‌گیری هدایت می‌کند. هزینه‌های بالای آزمایش که مسئول صندوق اعلام می‌کند طبق تعرفه دریافت شده، حال بیماران را بدتر می‌کند.اما این تمام ماجرا نیست چرا که تعدادی از بیماران با اعلام شکایت از ۲آزمایشگاه در مشهد به علت گران‌فروشی، موجبات بازدید مشترک تیم‌های گشت سیار سازمان تعزیرات حکومتی خراسان‌رضوی و دانشگاه‌علوم پزشکی مشهد را فراهم کردند.اولین طرح، بررسی یکی از آزمایشگاه‌های خیابان پرستار بود که با مقاومت مالک آن همراه شد. طبق دستور قضایی با مشخص شدن دریافت بیشتر از تعرفه‌های مصوب، بازرس سازمان تعزیرات دستور پلمب قسمت نمونه‌گیری این آزمایشگاه را صادر کرد و تنهابخش تحویل جواب آزمایش‌ها به مدت یک هفته باز ماند. طرح بعدی نیز در یک آزمایشگاه دیگر، مقابل آزمایشگاه قبلی ۲۴ساعت بعد به اجرا گذاشته شد و این آزمایشگاه نیز به علت گران‌فروشی و انجام آزمایش‌های اضافه‌تر از نسخه پزشکان، با دستور قضایی پلمب شد. حمیدرضا کریم، مدیرکل سازمان تعزیرات حکومتی خراسان‌رضوی با بیان اینکه کوچک‌ترین شکایت شهروندان که به ما برسد، رسیدگی می‌کنیم، اعلام کرد: «هم‌زمان با اجرای طرح دوم بررسی تخلفات آزمایشگاه‌های پزشکی، مشخص شد آزمایشگاهی که دو روز قبل پلمب شده بود، شبانه فک پلمب کرده و اقدام به نمونه‌گیری کرده است که این‌بار کل این آزمایشگاه پلمب و مدیر متخلف آن به دادسرا معرفی شد.»

برای مشاهده فیلم مستند این خبر، کد را اسکن کنید.

مرتضی سلیمی، رئیس سازمان امداد و نجات هلال‌احمر: در پی وقوع حوادث جوی در ۱۵استان کشور ۸نفر بر اثر صاعقه، سیل و ریزش کوه در استان‌های ایلام، چهارمحال و بختیاری، مرکزی و آذربایجان شرقی، جان خود را از دست دادند.





اینفوگرافی